

پیامد های امضای یک تفاهم نامه

رحیم حمیدی



مسورد توجه قرار می گیرد قربانی دادن نیروهای امنیتی است. اگر در پنج ماه پیش، دندغوری واگذار نمی شد. اکنون نیروهای امنیتی قربانی جنگ خودساخته نمی شد. تا هنوز آمار کشته و زخمی شدن نیروهای امنیتی کشور در این ولایت مشخص نیست. با این حال، طولانی شدن درگیری در این ولایت نشان می دهد که نیروهای امنیتی کشور قربانی های زیادی را متحمل شده است. این مهمترین و اساسی ترین هزینه ممکن واگذاری یک منطقه است.

خاک افغانستان قلمرو حاکمیت و فرمانروایی حکومت مرکزی است. حاکمیت امری تقسیم پذیر است. به دیگر سخن، حکومت قلمرو تحت حاکمیت خود را به هیچ گروهی واگذار کرده نمی تواند. واگذاری یک منطقه و بخش از قلمرو خود با معنی نقض حاکمیت است. حکومت با واگذاری دندغوری و امضای تفاهم نامه ضعف خود را به نمایش گذاشت و در عین حال، نشان داد که توانایی حفظ قلمرو و اعمال حاکمیت را ندارد. واگذاری دندغوری

ناامن ساخت ولایت مرکزی را نیز پیدا می کند.

ولایت بغلان با ولایت قندوز هم مرز است. قندوز چندی پیش به دست گروه طالبان افتاد. نیروهای امنیتی کشور موفق به کنترل دوباره شهر قندوز شدند. با این حال، گروه طالبان از ولایت بغلان به عنوان یک عقبه استراتژیک استفاده نمودند. با فشار وارد نمودن نیروهای امنیتی نیروهای خود را به بغلان منتقل نمود. تجهیزات را که در شهر قندوز به دست آورده بود به دندغوری و دند شهاب الدین انتقال دادند.

ولایت بغلان به دست گروه طالبان در عین حال، گروه طالبان با تصرف ولایت بغلان به منابع اقتصادی نیز دست می یابد. زیرا، کالاهای ترانزیتی از بندر حیرتان، شیرخان بندر ولایت قندوز و بندر آقینه ولایت جوزجان از بغلان می گذرد. این فرصت طلائی برای گروه طالبان ایجاد می کند تا به منابع مالی دست یابد. بنابراین، امضای تفاهم نامه ضربه شدید به امنیت ولایت های شمالی و شمال شرقی و تا حدودی ولایت مرکزی وارد نموده است. نتیجه دیگر امضای تفاهم نامه که کمتر

طالبان در این ولایت بوده است. قطع برق هزینه سنگین اقتصادی بر شهروندان کابل وارد نمود. کارخانه های کوچکی که در مسیر لاین برق قرار داشتند در برق مستفید می شد، شدیداً متضرر شد. هزینه های روزمره شهروندان در کابل نیز بالا گرفتند. در کل، می توان گفت که قطع برق در کابل نتیجه امضای تفاهم نامه شهروندان کشور در این ولایت شده است. این مهمترین پیامد امضای تفاهم نامه است که اکنون ما شاهد آنیم.

پیامد بعدی آن قطع برق کابل است. بر اثر جنگ در این ولایت، دو پایه برق تخریب شدند. مقامات حکومتی و شرکت برشنا به صورت رسمی بیان داشتند که گروه طالبان دو پایه برق را تخریب نموده است. گروه طالبان اسما، تخریب پایه های برق را رد نمودند و بیان داشتند که پایه برق بر اثر اصابت یک راکت از نیروهای حکومتی تخریب گردیده است. این مسئله روشن نشد که عامل تخریب پایه های برق کدام طرف بوده است. با این حال، تخریب پایه برق به خاطر گسترش ناامنی و نفوذ گروه

حضور دارند. براساس مرکز آمار افغانستان در حدود ۹۱۰ هزار خانوار در ولایت بغلان زندگی می کند. با توجه به این آمار می توان گفت که آمار ارائه شده از سوی تبلیغات کردند که دندغوری به دشمن فروخته شده است. سخنان گلاب منگل با واقعیت های عینی در بغلان همخوانی ندارد. با این حال، بررسی پیامد های این تفاهم نامه و واگذاری دندغوری خالی از فایده نیست.

بر اساس، سخنان مقامات محلی در حدود ۹۷۲ خانوار در ولایت بغلان بر اثر جنگ میان نیروهای امنیتی و گروه طالبان آواره شده اند. این در حالی است که در حدود ۹ هزار خانواد بغلانی مدعی کمک شده اند که در گذشته اند که از محل زندگی شان آواره شده اند. این دو آمار نشانگر آن است که تعداد خانواده که از ولایت بغلان آواره شده اند بیشتر از آمار مذکوری است که از سوی مقامات حکومتی ولایت بغلان ارائه شده است. گروه طالبان در دندغوری، دند شهاب الدین و در ده روستای دیگر در غرب شهر بغلان

پنج ماه پیش، دندغوری با امضای یک تفاهم نامه به گروه طالبان واگذار شد. از جانب حکومت این تفاهم نامه را گلاب منگل، وزیر سرحدات، اقوام و قبایل امضا نمود. براساس این تفاهم نامه، مردم محل متعهد به خارج کردن گروه طالبان از منطقه دندغوری شدند. در مقابل، حکومت افغانستان متعهد شده بود تا از سلاح های سنگین بالای دندغوری استفاده ننماید.

بعد از امضای تفاهم نامه انتقاد های جدی از سوی فعالان مدنی و کارشناسان مسائل نظامی بر حکومت افغانستان صورت گرفت. بعد از انتقاد ها و اعتراض ها، حکومت افغانستان واگذاری دندغوری و امضای تفاهم نامه را یک حرکت استراتژیک میان نیروهای امنیتی افغانستان و گروه طالبان شده است. نزدیک به یک ماه است که پایتخت کشور به خاطر تخریب پایه های برق در ولایت بغلان در خاموشی به سر می برد. براساس گزارش ها، نزدیک به هزار خانواده بر اثر جنگ در این ولایت آواره شده اند. با این حال، گلاب منگل در گفتگو با بی بی سی فارسی از امضای تفاهم نامه دفاع نموده است. او گفته است که تفاهم نامه منجر به صلح شد. اما یکعده دشمنان تبلیغات کردند که دندغوری به دشمن فروخته شده است. سخنان گلاب منگل با واقعیت های عینی در بغلان همخوانی ندارد. با این حال، بررسی پیامد های این تفاهم نامه و واگذاری دندغوری خالی از فایده نیست.

بر اساس، سخنان مقامات محلی در حدود ۹۷۲ خانوار در ولایت بغلان بر اثر جنگ میان نیروهای امنیتی و گروه طالبان آواره شده اند. این در حالی است که در حدود ۹ هزار خانواد بغلانی مدعی کمک شده اند که در گذشته اند که از محل زندگی شان آواره شده اند. این دو آمار نشانگر آن است که تعداد خانواده که از ولایت بغلان آواره شده اند بیشتر از آمار مذکوری است که از سوی مقامات حکومتی ولایت بغلان ارائه شده است. گروه طالبان در دندغوری، دند شهاب الدین و در ده روستای دیگر در غرب شهر بغلان

تلاش های سطحی صلح و ریشه های عمیق جنگ

حفیظ الله ذکی

در نیمه جوزای سال ۱۳۸۹ که به عنوان عضو جرگه مشورتی صلح در خیمه لویه جرگه حضور یافتیم، نمی دانستم که پیشنهاد جرگه تا این حد از سوی حکومت افغانستان جدی پنداشته شود. در افغانستان معمولاً چنین جرگه ها در مقاطع خاص به صورت فرمایشی ایجاد می شود و حلقات از قبل تعیین شده به صورت سیستماتیک در روند بحث ها و گفتگوها مداخله کرده و بر تصمیمات اعضای جرگه تأثیر می گذارد. در واقع جرگه به صورت نامرئی از سوی حکومت مدیریت می شود. از اینرو فیصله های جرگه ها عموماً مطابق خواست حکومت ها صورت می گیرد. در جرگه مشورتی نیز این امر مشهود بود و روند مباحثات در کمیته ها کنترل می شد و مواردی مشخصی از پیشنهادات اعضای جرگه گزینش و در جلسه روسا ارایه می گردید. در جلسه روسا باز مواردی خاص انتخاب می شد و در هنگام تهیه قطعنامه دست های زیادی کار می کرد تا در قطعنامه ماده های گنجانیده شود که مخالف سیاست های حکومت نباشد.

به هر حال تشکیل شورای صلح در این جرگه برای حکومت پیشنهاد شد و پس از آن با جدیت از سوی رییس جمهور دنیال گردید و سه ماه بعد این پیشنهاد جامه عمل پوشید و شورای عالی صلح از اختیارات مستتره و امکانات فوق العاده با فرمان رییس جمهور و به منظور پیشبرد روند صلح و مذاکره با مخالفان مسلح تشکیل شد؛ اما این شورا از همان آغاز با اشکالات و انتقادات جدی مردم و کارشناسان مواجه گردید. از همان آغاز پیش بینی می شد که این شورا با ساختار فرسوده و ناکارآمد خود نمی تواند کار مثبتی در زمینه صلح انجام دهد. اما با همه انتقادات این شورا به کار خود ادامه داده و تا هنوز میلیون ها دالر از حساب دولت برای مصارف و معاشات هنگفت اعضای شورا هزینه شده است.

ضعف شورا در این بود که اولاً خود این شورا تعریف درستی نداشت، معلوم نبود که این شورا یک نهاد دولتی است یا یک سازمان مستقل. ثانیاً ساختار شورا مورد پسند واقع نشد. اکثر کسانی که در شورا عضویت داشتند از کارایی مطلوبی برخوردار نبودند. ثالثاً برخی از کارشناسان معتقد بودند که کسانی که در شورای عالی صلح گمارده می شوند باید افراد بی طرف بوده و سابقه دشمنی و خصومت با طالبان را نداشته باشند. کسانی که در گذشته با طالبان در جنگ بوده حالانی توانند بانی صلح با طالبان گردند. مسأله دیگر ابهام سیاسی بود که در سیاست حکومت افغانستان وجود داشت. حکومت تعریف دقیقی از دشمنان خود نداشت. از همین رو گاهی از آنها به عنوان برادران ناراضی یاد می شد و گاه به صورت میمل تعبیر بی شاخ و دم دشمنان را به کار می برد که مصداق آن به کلی نامعلوم بود. شورای عالی صلح نیز در طی چند سال گذشته از مخالفان یک تعریف دقیقی ارایه داده نتوانست. این شورا حتا یک استراتژی و برنامه برای صلح تدوین نتوانست و یک چارچوب فرضی برای مذاکرات صلح تعیین نکرد. از نظر مردم افغانستان این شورا جز هدر دادن پول و امتیاز دادن به مخالفان مسلح کوچکترین دستاوردی در تاریخ تشکیل خود نداشته است. با تشکیل حکومت وحدت ملی مردم امیدوار بودند که این شورا لغو شود و خود حکومت استراتژی صلح را در قالب سیاست های کلان حکومتی به پیش ببرد.

مسأله عمده این است وقتی ما معتقدیم که جنگ افغانستان ابعاد منطقه ای و حتا بین المللی دارد و مداخله و رقابت کشورهای خارجی سبب دامن زدن به ناامنی های داخلی می گردد؛ چگونه راه حل آن را در ابتکار یک شورای غیر دولتی جستجو می کنیم؟ آیا یک نهاد به تنهایی می تواند از عهده این مسؤلیت بزرگ برآید؟ انتظار این بود که حکومت بر اساس درکی که روند جنگ و ناامنی در کشور دارد و معتقد است که کار صلح و مصالحه با مخالفان باید فراتر از جغرافیای افغانستان به جریان بیفتد در باره ادامه کار شورای عالی صلح تصمیم می گرفت. امروز افغانستان تنها عرصه رقابت کشورهای منطقه نیست. پس از سوریه و اوکراین این بار افغانستان است که به میدان رقابت قدرت های بزرگ تبدیل می شود؛ بنابراین تصمیمات حکومت باید در مطابقت با شرایط جدید سیاسی افغانستان گرفته شود.

امید و ناامیدی در مبارزه با فساد

شکور



وزارت دفاع ملی می باشد. بر بنیاد گزارش برخی رسانه های داخلی و خارجی گزارش اداره بازرسی ایالات متحده امریکا نشان می دهد که در قرارداد ساخت و ساز وزارت دفاع ملی افغانستان، ده ها میلیون دالر حیف و میل شده است. بر بنیاد آنچه ای گزارش طبق برنامه این پروژه باید زود به اتمام می رسید اما چند سال طول کشید و پول مالیات دهندگان امریکایی را ضایع کرد؛ مالیات دهندگانی که با عرق جبین، پول پیدا می کنند ولی در نظام فاسد حکومتاری در افغانستان و قراردادی ها حیف و میل می شود. متأسفانه وجود فساد گسترده و ریشه دار در کشور، دستگاه حکومت را کاملاً فلج کرده است و روند ثبات و امنیت و بازسازی را در کشور با چالش جدی مواجه ساخته است. اینک با تأسف وضعیت بگونه ای است که هیچ پروژه ای بدون اختلاس و آلودگی به فساد به پایان نخواهد رسید. فساد امروزه از یک سوی هم چون یک شبکه گسترده و پیچیده و در هم تنیده عمل می نماید که می توان از آن بعنوان مافیای فساد یاد نمود. از جانب دیگر برسا دوام چنین وضعیتی می توان ادعا کرد که فساد در ساختار اداری و سیاسی بدل به یک فرهنگ گردیده است. شاید این بخش از همه برای امروز و فردای کشور فاجعه برانگیز باشد. فاجعه ای که ده ها فاجعه ای دیگر را در پی داشته باشد. و شاید به همین جهت است که تا کنون شاهد محاکمه مفسدی در سطح وزیر و معاونان وجود فساد در دستگاه های حکومتی چنین روشی را در پیش گرفته اند. نمونه بارز آن رسیدگی به قضیه کابل بانک می باشد که با وجود اقدام های صورت گرفته در روزهای نخست حکومت وحدت ملی بارقه ای از امید را در مبارزه با فساد و حاکمیت قانسون در جامعه بوجود آورده بود، اما متأسفانه اینک روند رسیدگی به این قضیه در هاله ای از پیچیدگی و ابهام قرار گرفته است. قضیه دیگر رسیدگی به دوسیه اختلاس گران وزارت شهرسازی می باشد و برنامه ای برای مبارزه با فساد در دست دارد. بدون توجه به موضوع مبارزه با فساد در نهاد مشروعیّت و مقبولیت حکومت موجود زیر پرسش قرار خواهد گرفت بلکه اعتبار افغانستان بیش از پیش خدشه دار خواهد گردید. از جانب دیگر توانایی مبارزه با فساد تاکنون در دستگاه حکومت پاسخ امید بخش نداده است. انتظار برده می شود که حکومت د رهماهنگی با نهادهای شفاف سازی و نیز حمایت های بین المللی مسئله مبارزه با فساد را جدی بگیرد. اکنون عمر زیادی از حکومت وحدت ملی باقی نمانده است. میباید که این حکومت میراث شومی را به آیندگان خود بر جای گذارد.

معرفی شده است. حال آنکه روند رسیدگی نخستین روزهای ایجاد حکومت جدید می باشد و هست که برنامه جدی می نمود برای روشن شدن قاطع در امر مبارزه با فساد و حاکمیت قانون در کشور روی دست گرفته شود. ولی متأسفانه این بارقه امید و انتظار زیاد دوام نیاورد. نگرانی ها برای عدم شکل گیری روند حکومتداری خوب روزبروز افزایش یافت. شواهد و دلایل بسیاری در این باره وجود دارد.

بحث ها و مسایل جاری در کشور یکی از نشانه های روشن این نگرانی ها است. مدتی قبل در گزارش های خبری آمده بود که شورای امنیت ملی کشور، معین وزارت کار و امور اجتماعی را در پیوند با همکاری او در تهیه یک گزارش تحقیقی که از فساد گسترده اداری در این وزارت پرده برداشت به دادستانی معرفی کرده است. در این گزارش تحقیقی که در یکی از روزنامه های کشور به نشر رسیده بود گفته شده است که معین اداری و مالی این وزارت متهم به اختلاس و حیف میلیون ها دالر شده است. وی متهم گردیده که در دفتر کارش با مصرف صداهزار دالر حمام سونای بخار ساخته و ششصد هزار دالر دیگر را در ساختن لفت برای دو منزل به مصرف رسانده است. او همچنان به ارزش ۲۰۰ هزار دالر یک مسجد در داخل ساختمان وزارت ساخته و در دفتر کارش با مصرف هزاران دالر دیگر قفل های رمزدار نصب کرده است. گفته شده است که براساس شکایت شورای امنیت ملی متهم اصلی (معین اداری و مالی وزارت کار) در معافیت بسپرمی برد و افشاکننده این اختلاس (معین وزارت کار) به سارنوالی یا دادستانی

نخستین ارزیابی سر چشمه فساد ساختار و سیاست های خود حکومت می باشد. این موضوع را می توان از جنبه های مختلف اداری، حقوقی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار دارد. در طی سیزده سال گذشته متأسفانه روند فساد در کشور بگونه ای بوده است که تمام ساختارهای موجود در کشور را، دولتی و غیردولتی را، در کام خود فروبرده است. حتا نهادهای بنام مبارزه با فساد ایجاد گردید خود عامل ترویج فساد گردیدند. جهان نیز شرط خویش را منوط به امر مبارزه با فساد اعلام داشت.

به همین جهت با ایجاد حکومت جدید انتظارها و توقع ها در آغاز رنگ دیگری بخود گرفته بود. بارقه هایی از امید در نگاه های مردم بوجود آمده بود که شاید دوران فساد به پایان رسیده باشد. زیرا یکی از تعهد های اساسی حکومت جدید نیز مبارزه با فساد و تلاش برای حاکمیت قانون اعلام گردید. البته انتظار عمومی از نخستین روزهای ایجاد حکومت جدید این بوده و هست که برنامه جدی و سیاست قاطع در امر مبارزه با فساد و حاکمیت قانون در کشور روی دست گرفته شود. ولی متأسفانه این بارقه امید و انتظار زیاد دوام نیاورد. نگرانی ها برای عدم شکل گیری روند حکومتداری خوب روزبروز افزایش یافت. شواهد و دلایل بسیاری در این باره وجود دارد.

به همین جهت با ایجاد حکومت جدید انتظارها و توقع ها در آغاز رنگ دیگری بخود گرفته بود. بارقه هایی از امید در نگاه های مردم بوجود آمده بود که شاید دوران فساد به پایان رسیده باشد. زیرا یکی از تعهد های اساسی حکومت جدید نیز مبارزه با فساد و تلاش برای حاکمیت

فساد اداری در حال حاضر یکی از مشکلات غیر قابل انکار و جدی در حکومت داری افغانستان است. بر بنیاد تحلیل های صورت گرفته ریشه بسیاری از چالش های دیگر هم چون ناامنی، فقر و بیکاری، کندی روند بازسازی، هدر رفتن کمک های بین المللی و... همه و همه به دلیل وجود فساد اداری گسترده در ساختار حکومت و اداره می باشد. به دلیل گستردگی فساد اداری هم اکنون شهروندان از کمترین خدمات اجتماعی، صحتی، آموزشی، حمل و نقل و اداری برخوردار هستند. بر بنیاد ارزیابی های بین المللی افغانستان یکی از ردیف های نخست فساد اداری در جهان قرار دارد.

نوع و سرچشمه های فساد در کشور در شرایط کنونی گوناگون می باشند. در

کارتون روز



درخت بکاریم ...!

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله ذکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com